

عبدالحسین آذرنگ و ادبیات نشر ایران

● حمید محسنی

خاص آموزشی تولید شده‌اند، بقیه آثار وی مقالاتی‌اند که در مجلات منتشر شده‌اند (البته برخی از آن‌ها بعدها به صورت مجموعه مقاله و در چندین جلد کتاب از سوی ناشران مختلف چاپ شدند). همین مقالات پراکنده نیز عضوی از زنجیره‌های هستند که همدیگر را تکمیل می‌کنند. گویا وی می‌خواهد به برخی از پرسش‌های اساسی پاسخ دهد که پاسخگویی به آنها نیازمند طرح پرسش‌های ریز و درشت دیگر است.

طرح راهبردها و سیاست‌های کلان نشر و زیرمجموعه‌های آن از جمله همین پرسش‌های اساسی و کلیدی است که تقریباً در همه مقاله‌ها و کتاب‌های وی حضور دارد. بر اهداف و راهبردها و سیاست‌ها و ساختار درست تأکید زیادی دارد. بر همین اساس، بسیاری از دست‌بندی‌های خود از مسائل و مشکلات و روش‌ها و فرایندها و نظام‌های نشر گرفته تا نهادهای نشر و مرتبط با آن را ارائه می‌کند.

آموزش نشر و فرایندهای مختلف آن و نهادهای آموزشی از جمله مباحث کلانی است که آذرنگ ابعاد و ویژگی‌ها و چگونگی آن را در مقالات مختلف مطرح می‌کند. گاه نیز از نمونه‌های موفق آموزشی در حوزه نشر مثال می‌آورد و حتی جزئیات آن را نیز بیان می‌کند.

پژوهش در جنبه‌های مختلف نشر نیز در مقالات آذرنگ حضور جدی دارد. گاه بر وظیفه ناشران در این زمینه تأکید می‌کند و گاه مسئولیت‌های پژوهشی نهادهای نظارتی و سیاست‌گذاری نشر را یادآوری می‌کند. علاوه بر آن، مقاله‌های وی نیز پر از پرسش‌های پژوهشی است. ذهن منتقد وی سبب شده تا ابعاد مختلف یک مسئله به دقت طرح شود.

عدم وابستگی وی به نهادهای انتشاراتی و نظارتی و نیز دیدگاه‌های انتقادی وی سبب شده تا آرا و نظرات خود را فراتر از ملاحظه‌های غیرعلمی و کاسب کارانه مطرح کند.

دوراندیشی در جنبه‌های نظری و عملی نشر سبب شده تا برخی از مجموعه‌های خاص را پایه‌گذاری کند که خود پژوهش‌ها و مطالعات بعدی را آسان‌تر خواهند کرد. مجموعه «تاریخ شفاهی نشر» که ابتدا با کمک علی دهباشی در مجله بخارا و سپس نشر مرکز منتشر شده، از جمله این کارهای با ارزش است. این اثر، علاوه بر آن که خواندنی و تاریخی است و در مطالعات مربوط به فرهنگ مکتوب کشور و برخی از جنبه‌های فرهنگی دیگر سودمند است، در مطالعات مربوط به حوزه نشر و تاریخ آن نیز بسیار کاربردی است.

بخشی از نوشته‌های آذرنگ در مجلات و کتاب‌های مختلف، نقد و بررسی‌های وی از آثار دیگران است. این نقد، بررسی‌ها بسیار دقیق و جزئی است و در مواردی مربوط به کل آثار یک نویسنده و سبک و سیاق وی است. دیدگاه انتقادی وی در این نقدها به گونه‌ای جذاب مطرح می‌شود که علاوه بر کمک به شناخت دیدگاه‌های نویسنده و اثر مورد نقد، آدم را به مطالعه

«تحلیل استنادی»، یکی از روش‌های مهم و شناخته شده جهانی برای بررسی اعتبار آثار و ادبیات یک حوزه است. روش‌های دیگری نیز برای ارزیابی و سنجش و مقایسه فعالیت‌های علمی و ادبیات مکتوب وجود دارد، اما گردآوری داده‌ها در تحلیل استنادی به گونه‌ای است که جایگاه آن را متمایز ساخته است.

از همین روش برای سنجش اعتبار افراد و شخصیت‌های علمی، نهادهای آموزشی و پژوهشی، کشورها، مناطق و شهرها و مقایسه حوزه‌های مختلف علمی نیز می‌توان استفاده کرد. همین گونه است مطالعه توزیع جغرافیایی تولید و مصرف اطلاعات در کشورها و مناطق مختلف و مقایسه بسیاری از کشورها و نهادها و افراد و حتی برخی از منابع با هم.

از جمله کاربردهای تحلیل استنادی، بررسی کمی و کیفی تولید و مصرف اطلاعات در یک حوزه بسیار تخصصی و موضوعات فرعی آن و تعیین جایگاه یک یا چند فرد یا نهاد در آن حوزه و بسیاری از مسائل دیگر است که در سیاست‌گذاری‌های علمی نیز بسیار راهگشاست. در ایران، در حوزه کتاب و نشر نیز مانند بیشتر حوزه‌های علمی دیگر، تحلیل استنادی همه جانبه‌ای صورت نگرفته است (البته متأسفانه هنوز آثار چندانی در این حوزه منتشر نشده است). اگر چه خواندن سریع متون مربوط به نشر، نشان دهنده جایگاه خاص استاد عبدالحسین آذرنگ در این حوزه است، اما در این جا قصد بررسی متون مربوط به نشر و نیز جایگاه فردی خاص در کل این حوزه را نداریم؛ زیرا چنین کاری باید مستند باشد و انجام پژوهشی مستند و کامل، آن هم با استفاده از روش تحلیل استنادی، از توان فردی خاص خارج است.

آذرنگ در پیشگفتار کتاب «در گیرودار نشر» اثر مرحوم کریم امامی، به دلیل ویژگی‌های خاص امامی و تأثیر گذاری‌اش در حوزه‌هایی از نشر از اصطلاح «مکتب امامی» بهره برده است. جایگاه آذرنگ در حوزه ادبیات مکتوب نشر از این هم فراتر است. قصد آن را ندارم که برای نشان دادن جایگاه وی در این زمینه واژه‌سازی کنم، اما در این مختصر سعی می‌شود فارغ از انتقاداتی که نسبت به تعدادی از دیدگاه‌های مطرح شده او دارم، برخی از ویژگی‌های بسیار کلی آثار آذرنگ در حوزه نشر مطرح شود تا در فرصتی دیگر به شکلی مستندتر و مفصل‌تر نقد و بررسی شود (ناگفته نماند که آذرنگ در حوزه‌های دیگر چون فلسفه و تمدن نیز آثار ارزشمندی، ترجمه یا تألیف کرده است).

بدون شک آذرنگ بیشترین آثار و محتوای موجود در حوزه نشر کشور را تولید کرده است. از کتاب‌های درسی و پایه در حوزه نشر گرفته تا طرح بسیاری از مسائل دیگر نشر یا مرتبط با آن. یکی از ویژگی‌های اصلی نوشته‌های وی نیز در پیگیری همین خط سیر است: از مباحث پایه شروع شده و به مباحث فرعی و فرعی‌تر ختم می‌شود. جز برخی از کتاب‌ها که بنا بر سفارش ناشری خاص مانند سمت و اتحادیه ناشران و دیگران و برای اهداف

دقیق اثر نیز تشویق می‌کند. ورود وی و دیگران در حوزه نقد جدی و انتقادی آثار و نویسندگان، الگو و قالب مناسبی را برای توسعه نقد در نشر به وجود خواهد آورد که در توسعه کیفی محتوای آثار بسیار مؤثر خواهد بود. روش و قالب مورد استفاده برای نقد آثار و بهره‌گیری از دیدگاه انتقادی و تحلیلی و مقایسه‌ای و تسلط وی بر متون مورد نقد سبب شده است تا نقدها از نظر روش‌شناسی و الگو نیز مورد توجه قرار گیرند.

ویژگی طرح مسائل و مقاله‌ها از پایه و کلی به جزئی و فرعی، به گونه‌ای دیگر در هر یک از مقالات انفرادی وی نیز حضور دارد. کلمات، جمله‌ها و پاراگراف‌ها با دقت انتخاب شده‌اند و اجزای مختلف یک مسئله با ظرافت مطرح می‌شود. گاه پاسخ برخی از مسائل براساس دیدگاه‌های شخصی یا استفاده از آمارهای موجود ارائه می‌شود، اما بسیاری از پرسش‌ها بی‌پاسخ باقی می‌مانند. شاید آرای دیگران در آن زمینه ارائه شود، اما خود تلاش نمی‌کند بدون اتکا به آمار و ارقام به آنها پاسخ دهد. این ویژگی سبب شده تا پرسش‌های بسیاری مطرح شود که باید در آن زمینه تحقیق و پژوهش شود. کنکاش در این جنبه از مقاله‌های آذرنگ برای دانشجویان و محققان و نهادهای اجرایی و سیاست‌گذاری نشر بسیار راهگشاست. این پرسش‌های بی‌پاسخ و حتی پاسخ‌هایی که هرگز به کار نمی‌روند نشان دهنده راه درازی است که صنعت نشر کشور باید برای شکوفایی خود طی کند.

گاه برای پاسخ به برخی از پرسش‌ها، نمونه‌های مشابه خارجی آن استادانه انتخاب و ترجمه شده‌اند. این انتخاب‌ها نشانگر آن است که پرسش‌های بی‌پاسخ در یک مقاله در مقاله‌های دیگر بررسی می‌شود، گاه نیز وی پایان‌نامه دانشجویی یا تحقیقات و بررسی‌های دیگران را برای یافتن پاسخ دقیق‌تر هدایت می‌کند؛ همین‌طور رشته پرسش‌ها و پاسخ‌ها ادامه دارد. برای نمونه، آموزش نشر از جمله مباحثی است که همواره بر آن تأکید شده است. وی علاوه بر طرح این مسئله و ارائه دیدگاه‌های شخصی به نمونه‌های چند کشور در آموزش نشر هم در چند مقاله دیگر اشاره می‌کند. همچنین جالب‌تر آن که خود نیز متون آموزشی نشر را تولید می‌کند و فراتر از آن در برخی از دوره‌های تخصصی‌تر تدریس می‌کند.

می‌توان ویژگی‌های کلی بسیاری را در آثار آذرنگ نشان داد که در این مختصر فرصت آن نیست. امیدوارم در آینده، آثار وی از لحاظ محتوایی بیشتر مورد نقد و بررسی قرار گیرند.

آثار آذرنگ در حوزه نشر بسیار تأمل‌برانگیز و خواندنی و آموزنده است. اما به نظرم بسیاری از آثار و مطالعات دیگران در حوزه نشر - مستقیم و غیرمستقیم - از آذرنگ شروع شده و این نکته حتی از تمام ویژگی‌های مثبت کارهای آذرنگ نیز مهم‌تر است. چون آذرنگ به تنهایی نمی‌تواند تمام مسائل مربوط به نشر را بررسی و مطالعه کند. سبب‌سازی برای ورود جدی دیگران به این عرصه نیازمند کارهایی جدی و ظریف و دقیق و اساسی و پایه‌ای و همه‌جانبه‌ای بود که آذرنگ تقریباً به تنهایی بخش اصلی آن یعنی تولید محتوی را انجام داد. هنوز زود است که با بررسی محتوایی با استنادی، جایگاه و تأثیر آذرنگ را مستندتر بررسی کنیم؛ زیرا بیشتر آثار آذرنگ در این حوزه نتیجه همین چند سال اخیر است و مطالعه تأثیر آن بر متون دیگر و کارهای دیگران، نیازمند زمان بیشتری است. آنچه مسلم است این است که تولید ادبیات مربوط به نشر در سال‌های اخیر، رشد بی‌سابقه‌ای یافته است. بیشتر آثار جدی این حوزه را آذرنگ خود تولید است و یا تقریباً در فهرست منابع تمام این متون حضور دارد. اینها سبب می‌شود تا فرایند رشد تولیدات علمی

در این حوزه بیشتر شود و کم‌کم به عنوان یک حوزه آموزشی و پژوهشی مستقل در ایران مطرح شود. مسیر واقعی رشد و توسعه این حرفه و صنعت فرهنگی نیز همین است. اگر چه بسیار دیر آغاز شده و بسیاری از حرفه‌های کم‌اهمیت‌تر از نشر در حوزه آموزش و پژوهش و تولیدات علمی از صنعت نشر جلوتر هستند. اما صنعت - دست‌کم در این زمینه قابلیت‌هایی دارد که حوزه‌های دیگر ندارند؛ شایسته نیست که «کوزه‌گر از کوزه شکسته آب بخورد». یکی از زیرساخت‌های رشد علمی در حوزه‌های دیگر و حتی رشد و توسعه ملی به رشد نشر بستگی دارد. بنابراین نشر برای هماهنگی و همراهی با دیگر علوم باید رشد کند. نظام انتشاراتی - همانگونه که مدیریت نشر و حتی بسیاری از تولیدات علمی دیگر حوزه‌ها را برعهده دارد - باید به فکر آموزش‌ها و پژوهش‌های مورد نیاز در حوزه خود نیز باشد. با سرمایه‌گذاری بیشتر در این حوزه است که نظام نشر نیز رشد خواهد یافت. باید قدر حضور علمی پژوهشگرانی چون آذرنگ و امامی را دانست تا اطلاعات بیشتری در این حوزه تولید و منتشر شود. قدرشناسی از این افراد تنها انتشار آثارشان نیست، بلکه باید باز خورد مثبتی نشان داده شود؛ همان باز خوردی که ناشران و نظام نشر از دیگران انتظار دارند. اگر معتقدیم که کتاب و اطلاعات (مرتبط با نیازهای فردی و اجتماعی) متاعی است که سبب توسعه فردی و اجتماعی می‌شود، پس در توسعه و رونق نشر و ناشران نیز می‌تواند اثر گذار باشد؛ یعنی تولید و انتشار اطلاعات، بیشتر درباره جنبه‌های مختلف نشر یا دست‌کم استفاده از آنها باید در دستور کار هر ناشری قرار گیرد. به راستی اگر هر ناشری به طور متوسط در تمام دوره فعالیتش پشتیبانی از پژوهش و تألیف و انتشار و توزیع تنها یک اثر جدی در حوزه نشر را بپذیرد، چه اتفاقی خواهد افتاد؟! اتفاقی ساده و کم‌هزینه و به ظاهر پرسود است، اما سادماندگاری خواهد بود اگر انتظار رخداد آن را داشته باشیم؛ آن هم بدون در نظر گرفتن نکات بسیار ظریف و فراوانی که عبدالحسین آذرنگ در کتاب‌ها و مقاله‌هایش مطرح کرده است.

برخی از آثار آذرنگ در حوزه نشر عبارتند از:

- آذرنگ، عبدالحسین. مبانی نشر کتاب تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتاب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۳.
- آذرنگ، عبدالحسین. شمه‌ای کتاب، کتابخانه و نشر کتاب. تهران: کتابدار، ۱۳۸۱.
- آذرنگ، عبدالحسین. شمه‌ای انتشار کتاب در ایران. تهران: کتابدار، ۱۳۷۹.
- آذرنگ، عبدالحسین. چون و چرایی در باب سیاست‌های نشر کتاب در ایران. تهران: کتابدار، ۱۳۸۰.
- آذرنگ، عبدالحسین. شمه‌ای از اطلاعات و ارتباطات. تهران: کتابدار، ۱۳۷۹.
- آذرنگ، عبدالحسین. از این سو و آن سو. تهران: کتابدار، ۱۳۸۳.
- آذرنگ، عبدالحسین. تاریخ شفاهی نشر ایران. تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۲.
- آذرنگ، عبدالحسین. گام‌های اصلی در نشر کتاب. تهران: اتحادیه ناشران و کتابفروشان ایران، ۱۳۸۰.
- و ده‌ها کتاب و مقاله دیگر در حوزه نشر و همچنین فلسفه و تمدن. از آذرنگ درباره فلسفه و تمدن و حوزه‌های دیگر نیز کتاب‌ها و مقالات زیادی منتشر شده است.